

هم باشد، پایه بنهند. اما کار پاینده از یکسو زنده نگهداشتن فرهنگ بومی و از سوی دیگر کمک به غنای فرهنگی زبان فارسی است که بزرگترین شناسنامه رسمی اقوام ایرانی به شمار می‌رود. کاری که پیشینیان نیز در شمال ایران نمونه آن را در تاریخ به دست داده‌اند. زیرا، در طبرستان و مازندران و دیلم و گیلان با اینکه از هزار سال پیش، ادبیاتی در زمینه‌های شعر و مثل و ترانه و نوشتارها وجود داشته و حتی در نسخه‌های خطی که به دست آمده، در ترجمه قرآن و نوشته‌های زبیدیان، زبان بومی، به کار می‌رفته و دانشمندان و باسوادان، در درجه نخست، همواره در راه خدمت به زبان واحد ملی یعنی فارسی می‌کوشیده‌اند: سهم علی دیلم در شاهنامه فردوسی و گرامی‌داشت فردوسی از سوی شهریار باوندی را همه می‌دانند. کیکاوس و شمگیر زیاری که خود به طبری شعر می‌گفت قابوسنامه را به زبان فارسی به یادگار گذاشت. قطران تبریزی که او را (دیلمی و عضدی و جیلی، جیلی آذربایجانی) هم نوشته‌اند، نخستین کسی است که پیش از (لغت‌فارس اسدی) فرهنگ واژه‌های فارسی را فراهم آورد و آن کتاب را نویسنده فرهنگ جهانگیری دیده بوده است. از (باوندنامه) که به طبری بوده، (مرزبان‌نامه) فارسی پدیدار شد. حکیم ناصر خسرو در سفرنامه خود نوشته که در ۴۳۷ هجری قمری، حکیم ابوالحسن علی بن احمد نسوی را در سمنان دیده که آموزشگاه داشته و به شاگردان دانشهای ریاضی و پزشکی می‌آموخته و "سخن به زبان فارسی همی‌گفت، به زبان اهل دیلم". همین استاد نسوی، کتاب (بازنامه) را به فارسی نوشته که از اسناد ارزشمند این زبان است.

شرفشاه عارف و شاعر گیلان در پایان سده ششم و نیمه اول سده هفتم، که نسخه خطی دیوان دوبیتیهای گیلکی او در رومانی پیدا شده، به فارسی هم شعر می‌گفت. نگارنده قصیده‌های فارسی و استادانه از او به دست آورده‌ام که قصاید ناصر خسرو را در قدرت سخن به یاد می‌آورد. میرطهیرالدین مرعشی، بخشی از کتاب فارسی تاریخ گیلان و دیلمستان خود را برای واژه‌ها و اصطلاحات گیل و دیلم اختصاص داده بود. پیش از انقلاب مشروطه، شاعری به نام (عاشق گیلانی) که گویا از مردم گیلان خاوری و همشهری محمود پاینده لنگرودی بوده، اثری از خود به فارسی و گیلکی و عربی با مایه نقد اجتماعی، به جا گذاشته که نسخه خطی آن در خانواده شیخ فضل‌الله نوری بوده، منوچهر ستوده سرگرم کوشش است تا آن را چاپ کند. در انقلاب مشروطه و پس از آن در انقلاب جنگل و سالهای پس از آن شاعران و سخن‌سرایانی بوده‌اند



عبدالرحمان عمادی

فرهنگ گیل و دیلم
فارسی به گیلکی
محمود پاینده، لنگرودی
موسسه انتشارات امیرکبیر
۱۲ + ۷۸۸ صفحه، ۲۸۰۰ ریال

زنده نگهداشتن فرهنگ بومی کمک به غنای زبان فارسی

از دیدگاه رابطه فارسی با گویش یا زبان بومی هریک از شهرستانهای نامدار ایران، که برای خود کم و بیش تاریخ ادبیات بومی هم دارند و از فرهنگی ویژه برخوردارند، بسیار پر معنا و برای همه دوستداران برومندی روزافزون زبان فارسی شایسته دقت و بررسی است. با این شیوه، هر باسواد فارسی‌زبان، چه بومی و چه غیربومی، که بخواهد معناهای هر واژه و فعل فارسی را در گویش یا زبان بومی بداند، می‌تواند به آسانی از این اثر بهره بگیرد. این کار هم به آگاهی بومی‌زبان از زبان فارسی و فارسی‌زبان از زبان یا گویش بومی می‌افزاید و هم پیوند خویشاوندی این دو و در نتیجه همبستگی ایرانیان را بیشتر می‌سازد و به زبان فارسی کمک می‌کند تا برای گسترش و باروری روزافزون خود، پیوسته از سرچشمه خویشاوندان تنی و نزدیک خویش که همین گویشها و زبانهای بومی ایرانیانند، کمک بگیرد، بوده و هستند کسانی که دانسته و ندانسته، گویش یا زبانی از زبانهای بومی ایران را با این خواست پیش می‌کشند و بر آن تکیه می‌کنند تا به گونه‌ای اندیشه جدایی از یکپارچگی سیاسی را، اگرچه اندک‌اندک

در سال ۱۳۶۶ نخستین چاپ فرهنگ گیل و دیلم، نوشته شاعر و پژوهنده و هنرمند گیلان خاوری، آقای محمود پاینده لنگرودی، در ۷۸۸ صفحه، با چاپ خوب، از سوی موسسه انتشارات امیرکبیر در تهران، در اختیار دوستداران فرهنگ ایران گذارده شده است. این واژه‌نامه، بجای اینکه مانند بیشتر واژه‌نامه‌هایی که تاکنون، از گویشهای بومی ایرانی چاپ و نشر گردیده، گویش بومی به فارسی باشد، فارسی به گیلکی است. در آن، واژه‌های رایج فارسی، مانند لغت-نامه‌های فارسی، از حرف "ت" تا "ی" یک‌یک نوشته شده و در برابر هر واژه و فعل و اصطلاح فارسی، چندین واژه و فعل و اصطلاح گیلکی، که به همان معانی یا نزدیک بدان باشند، یادداشت گردیده و جمله‌ها، و گاه مثل‌هایی هم از گیلکی گیلان خاوری، برای کمک به فهم بیشتر و بهتر مطلب، به گواه آورده شده است. از آن گذشته، گزارش عمده‌ترین کارهای مربوط به ابریشم، برنج، چای، گاو، گوسفند، پرند، ماهی، کشتی، میوه و همانند این عناوین، با واژه‌های آنها، در زیر همانها آمده‌اند. این شیوه نگارش فارسی به گیلکی

صدای سخن عشق در یک اثر غربی

شد. در صورتی که قهرمانان خیالی و رویداد - های اساطیری مظهر حقایق ازلی و ویژه‌ای هستند که هیچ ربطی به هاویه مغشوش و ابداعی برخی هنرمندان مدرن معاصر ندارند. جهان مثالی و خیالی آن قهرمانان گاهی آنچنان منظم، هماهنگ، موزون و به اعتباری متعهد جلوه می‌کند که باید خاستگاه و منشأ دیگری داشته باشد. وقتی "خیال" متجلی می‌شود ما با جریانی مترکز، یکدست، آرام و مختارانه روبرو هستیم و رویدادهایی را که به صورت افسانه یا حوادث متوالی نظاره می‌کنیم، از درخشندگی و کمال برخوردارند و قهرمانان، پدیده‌ها و انگیزه‌هاشان، مستحکم و منسجم‌اند. درحالی که رویا و کابوس، اگرچه منطق خاص روانشناسانه خود را دارند و نیز همانند عالم خیال به رمز سخن می‌گویند، ولی همواره کیفیتی مغشوش، بیش‌از اندازه مبهم، اغلب آمیخته با فضاهاشی تاریک، بی‌تمرکز و انتظام و بی‌درخشندگی و کمال، صورت می‌بندند.

"گاستون باشلار" در کتاب "روانکاوی آتش" یکبار دیگر بر این تفاوت بین رویا و خیالیاتی تأکید می‌کند. او درباره "خیالیاتی در کنار آتش می‌گوید: "به نظر ما، این خیالیاتی با رویا فرق بسیار دارد. به این دلیل که خیالیاتی همیشه کمابیش بر یک شیء مترکز است. رویا به خط مستقیم راه می‌پیماید و در حین دویدن راه گم می‌کند. اما خیالیاتی ستاره‌شکل است، به مرکز خود بازمی‌گردد برای آنکه شعاعهای تازه‌ای بیفکند...". حملاتی از این قبیل حکایت از نوعی شناسائی شهودی می‌کنند که علی - الخصوص در بین متفکرین و روانشناسان غربی، کم دیده می‌شود و به همین دلیل روشنگر موقعیت ویژه‌ای هستند که گاستون باشلار در بین آنان داشته است. در صفحه هشتاد و چهار از آغاز سطر پنجم به بعد و نیز در بخشهای دیگری از همین کتاب، ما شاهد حملاتی هستیم که بیش از آنکه عالمانه باشند، هنرمندانه هستند. گاستون باشلار از نادره‌هایی است که با داشتن استعدادی شاعرانه به تفکر و نتیجه‌گیری‌های علمی پرداخته است و مطالعه آثار او برای هنرجویان و هنرمندان بسیار مفید و جذاب است. به ویژه مطالعه آثار این متفکر اثبات می‌کند که برای درک جنبه‌های عمیق‌تر حیات، تفکر استدلالی و علمی کافی نیست، بلکه به نوعی توجه و هویشاری اساطیری - شاعرانه نیاز هست، هرچند که ابزار این نوع نتیجه‌گیری‌ها مورد تحقیر و تمسخر "علم‌زده"ها قرار گیرد.

نامی پنگر

روانکاوی آتش

گاستون باشلار

ترجمه جلال ستاری

۲۵۶ صفحه ۵۰۰ ریال



"روانکاوی آتش"، نوشته گاستون باشلار ترجمه‌ی جلال ستاری کتابی است که در فصلهای مختلف آن ما با اندیشه‌های ژرف و جالب توجهی درباره آتش تحت عناوینی مانند: آتش و پروای آتش، آتش و خیالیاتی، آتش جنسی شده، آتش در دانش شیمی، آب آتشگون و آتش و رابطه آن با پاکي، یعنی آتش آرماني، آشنا می‌شویم. همه این مطالب از شیگفتی و ژرفانگری بی‌مانندی برخوردارند. اما آنچه برای من از همه جالبتر است تا حدی که بتوان در این محمل مطرح کرد این است که از هدفها پیش اشتغال خاطر م تفاوت فاحش میان آثار نقاشی سوررالیسم و تابلوهای نقاشان بزرگ گذشته است. نقاشان خیال پردازی که تخیل خلاق آنها، باعث خلق برده‌های زیبا و شیگفت‌انگیز "اساطیری- شاعرانه" شده است و در آثارشان اثری از صحنه‌های مغشوش بی‌ریشه و بی‌حیاگه برخی از هنرمندان معروف و جهانی مکتب نقاشی سوررالیسم قرن بیستم، نیست. همواره می‌اندیشیدم که ناخودآگاهی، آنگونه که فروید و پروانش می‌گویند، هاویه تمایلات سرکوفته‌ای است که تغییر هیات و صورت داده و با پیچیدگی و اغتشاش در زندگی خود- آگاهانه انسانها تا شیرات مخرب گذاشته، باعث روان‌پریشی و تظاهر تمایلات تهاجمی و نشانه‌های بیمارگون روان - جسمی خواهد

که به گیلکی و فارسی شعر می‌سرودند و نامدارترین آنها: سید اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال (نویسنده و دارنده روزنامه "نسیم شمال")، حسین کسمائی و در این اواخر، محمدعلی افراشته بوده‌اند که باید برای سرگذشت آنها به کتابهای گوناگون و از جمله دو کتاب فاضل درگذشته، ابراهیم قهرائی به نام (گزیده ادبیات گیلکی) و (گیلان در قلمرو شعر و ادب) و دیوان شعر افراشته مراجعه کرد.

با همه اینها، هیچیک از سرایندگان و نویسندگان شمال ایران را نمی‌شناسم که زبان و برنامه کار اصلی او در نویسندگی زبان فارسی نبوده باشد. (بدیهی است، مانند همه جای ایران، عربی‌نویسان را باید از این اصل مستثنی کرد). بر پایه چنین سنت خوب است که کتاب فارسی به گیلکی پاینده لنگرودی بر کنجینه فرهنگ ایرانی افزوده می‌شود. واژه‌نامه‌ای که شایسته است آن را فرهنگ پاینده بنامیم. زیرا خدمتی است از پاینده در راه فرهنگی پاینده برای کشور و مردمی پاینده.

از شاعر لنگرودی (پاینده) که در نقاشی و بویژه خوشنویسی هم دستی دارد، به جز مقاله‌ها و چند شعر فارسی که در کتاب (گیلان در قلمرو شعر و ادب) چاپ شده، آثار زیر تاکنون به چاپ رسیده‌اند:

- ۱ - گل عصیان، مجموعه شعر، سال ۱۳۳۵.
 - ۲ - ترانه گیلکی، ۴۴ دوبیتی، به همراه: ناصر قهرادیان و شهیدی لنگرودی، سال ۱۳۳۶.
 - ۳ - مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم، در ۳۰۰ صفحه، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، تهران، سال ۱۳۵۲.
 - ۴ - آئینها و باورداشتهای گیل و دیلم، در فرهنگ عامه، در ۴۱۵ صفحه، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۵.
 - ۵ - قیام غریب‌شاه گیلانی، تهران، انتشارات سحر، سال ۱۳۵۷، در گزارش قیام مردی به نام عادلشاه به سردستی دهقانان در زمان صفویان.
 - ۶ - لیلله‌کوه، شعری گیلکی، با ترجمه فارسی، در ۵۰ صفحه که در ۱۳۴۷ گفته شده و در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است.
 - ۷ - یه شز بنوم روخننه (شبی به رودخانه رقت)، شعری گیلکی با ترجمه فارسی در ۸۰ صفحه که در ۱۳۳۸ گفته شده و در ۱۳۵۸ به چاپ رسیده.
 - ۸ - فرهنگ گیل و دیلم به فارسی و گیلکی در ۱۳۶۶.
- به امید مطالعه آثار دیگری از طبع زاینده پاینده در آینده.